

متن پرسش

در کتاب «مبانی معرفتی مهدویت» در بحث «نحوه حضور حضرت حجت» میفرمایید که: «ما به آنها (مسیحیها که معتقدند منجی عالم بعداً به دنیا میآید) می‌گوییم؛ چیزی که غایت عالم است، اگر محقق نباشد، جهان چگونه دارد به سوی آن پیش می‌رود؟!»، و میفرمایید که دلیلتان این است که: «غایت مفقود محال است». آیا منظور از غایت، همان غایت خارجی است؟ یا منظورتان «علت فاعلی» است که در نفس فاعل محقق است و همان آرزو و علم و اراده فاعل است؟ صورت اول (که منظور غایت خارجی است)، واضح است که مقصود نیست؛ چرا که اگر غایت در خارج موجود بود، فاعل اصلاً به سمت آن حرکت نمی‌کرد. خصوصاً (از اینجا هم مطمئن میشویم که منظورتان این نیست) که بعد میفرمایید: «هر غایت حقیقی باید در عالم غیب محقق باشد». احتمالاً مقصود شما صورت دوم (که منظور علت فاعلی است) می‌باشد؛ چرا که بعد در مثال مولوی میفرمایید: «پس میوه اول است، اما در عالم غیب و در عالم ذهن باغبان». اگر منظورتان از غایت این باشد، نیازی نیست امام زمان (عج) در بیرون محقق باشد، و کافی است که بعداً به دنیا بیایند، کما این که قبل از ولادت پیغمبر اسلام (ص)، با این که «پیغمبر در دنیا» محقق نبودند، جهان به سمتش پیش رفت. ممکن است بگویید: «ولی مقام پیغمبر (که قبل از خلقت حضرت آدم (ع) به وجود آمده بود) موجود بود»، خُب همین جواب را ما میتوانیم اینجا بدهیم؛ که مقام امام زمان (عج) موجود است، اما خود حضرت به دنیا نیامده اند و بعداً در این دنیا محقق میشوند. لذا از طریق عقلی نمیتوان وجود امام حی را ثابت کرد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به همان معنایی که سایر پیامبران متوجه وجود مقدس رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» بودند و از آن حضرت در راستای نبوتشان بهره می‌گرفتند ما در آن کتاب نظرها را متوجه حضور انسان کامل در هستی کرده‌ایم با توجه به این نکته که حقیقت محمدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در طول تاریخ در جمال انبیاء ظهور خارجی داشته تا آن که ظهور تام و تمام آن در جمال محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به صحنه آمد. در مورد حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» نیز قضیه از این قرار است که حقیقت ولایت محمدی که در جمال علی «علیه‌السلام» با همه‌ی انبیاء سرأ حاضر است □ مثل حقیقت محمدی که با همه‌ی انبیاء بود- با ظهور حقیقت محمدی، در جمال علی بن ابی‌طالب ظاهر شد و از آن جایی که بر عکس نبوت که ختم شد، این ظهور باید در حوزه‌ی عمل به ظهور تام برسد، ولایت در ائمه «علیهم‌السلام» ادامه پیدا کرد و

به حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» ختم شد و بدین لحاظ حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» وجود خارجی دارند، زیرا با ظهور محمد «صلوات الله علیه وآله» که ولایت نیز ظهور کرد زمینه‌ی ظهور تام و تمام ولایت کلی فراهم شد ولی به غایت خود که اعمال ولایت الهی به صورت بالفعل در کل جهان است، محقق نشده؛ به همان معنایی که ولایت مهدی صورت ولایت کامل الهی است که باید در نهایت عالم بالفعل محقق شود ولی نبوت یک مأموریت است که با نبی خاتم به انتها می‌رسد. بنابراین از یک طرف بحث ختم نبوت است و از طرف دیگر بحث ختم ولایت. ختم نبوت با ظهور بالفعل نبی مکرم محقق شد ولی ختم ولایت که با حضور حضرت امیرالمومنین به نحو محمدی شروع شد، با ظهور مهدی به انتهای خود می‌رسد در حالی که با ظهور علی علیه السلام آن ولایت، حامل خاص در شخص خاص پیدا کرد و همان با ائمه علیهم السلام ادامه پیدا کرد و به مهدی علیه السلام رسید. در این راستا قاعده‌ای را که متذکر می‌شود هر حقیقتی صورت خاص مناسب خود را در عالم مادون دارد فراموش نشود و از این لحاظ حقیقت ولایتی که با نور محمد «صلوات الهاعلیه وآله» از طریق امیرالمومنین «علیه السلام» ظاهر شد حتماً آن ولایت در حال حاضر صورت خاص در انسان خاص را می‌طلبد و این غیر از صورت ولایتی است که در انبیاء گذشته و در کنار آنها سرّاً محقق بود. موفق باشید